

بسمه تعالی

ن * والقلم و ما یسطرون *

**** معرفی کتاب «سیمای مدیر موفق» در سوره یوسف ****

مشخصات کتاب:

سرشناسنامه: موحدی نژاد، محمد، ۱۳۳۷

عنوان و نام پدیدآورنده: سیمای مدیر موفق / محمد موحدی نژاد

مشخصات نشر: تهران، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، ۱۳۸۹

مشخصات ظاهری: ۱۶۸ص؛ ۱۴×۲۱ س م.

یادداشت پشت جلد به انگلیسی: successful management in yousof interpretation

یادداشت: عنوان روی جلد: سیمای مدیر موفق در سوره یوسف

موضوع: تفاسیر (سوره یوسف)

موضوع: مدیریت (اسلام) - جنبه‌های قرآنی

هدف از معرفی کتاب: علاوه بر نکات جالب و زیبا و درس آموز مستند به کلام شیرین وحی که

از آیات این سوره استفاده شده، می‌توان از این داستان، که محور آن حضرت یوسف صدیق (علیه‌السلام) است و خداوند او را از چاه به جاه و مقام و حکومت رسانید و در این راه موفقیت‌هایی کسب کرد، درباره اداره جامعه اسلامی برای مدیران محترم هر مجموعه خرد و کلان، درس‌هایی بی‌نظیر و درس‌هایی هرچند به نظر ساده و ابتدایی ولیکن در حقیقت بسیار گرانبها، برداشت نمود و در نفوس قوای مجریه نهادینه کرد و در بطن اجرا جامه عمل پوشانید. و حتی به تعبیر بنده این راهکارهای مدیریتی را می‌توان از کوچک‌ترین مجموعه که مصر وجود و نفس آدمی باشد، به کار بست تا بزرگ‌ترین مجموعه حکومتی که حکومت جهانی و عدالت‌گستر آقا و مولایمان حضرت صاحب‌العصر و الزمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) باشد. در بیان نافذ و محققانه استاد ارجمند حجت الاسلام و المسلمین آقای پناهیان، «آخرین آمادگی برای ظهور، این است که مدیران جامعه اصلاح شوند»، «چون حکومت امام زمان (علیه‌السلام) و فرج او و ظهور او چیزی از جنس مدیریت جامعه

است.» و در راستای تحقق این منظور، به بیان نویسنده گرامی، نوشته حاضر برای عزیزانی است که می‌خواهند با درس‌آموزی و پندگیری از سرگذشت حضرت یوسف در قرآن مدیرانی موفق با سیمای قرآنی در حکومت اسلامی یوسف زهرا باشند. به امید فرجاً عاجلاً قریباً، اللهم عجل لولیک الفرج.

برش‌هایی از کتاب:

اطلاعات محرمانه و غیرمحرمانه از هم جدا گردد.
هرحرفی را به هر کسی نزنیم.
کتمان فضایل به خاطر جلوگیری از حسادت‌ها، کاری لازم است.
با پی بردن به استعداد یک فرزند، آن را با سایرین مطرح نکنیم.
در معرفی افراد تیزهوش، باید احتیاط کرد.
بسیاری از دیده‌ها در بیداری، نباید بازگو شود.

۱- طبقه‌بندی اطلاعات
«لاتقصص»
(ص ۵۴)

۲- نقش سختی‌ها در سازندگی انسان: از آنجا که خداوند اراده کرده یوسف را حاکم کند باید دوره‌هایی را ببیند، برده شود تا به بندگان رحم کند، به چاه و زندان افتد تا به زندانیان رحم کند. همانگونه که خداوند به پیامبرش می‌فرماید: تو فقیر و یتیم بودی تا فقیر و یتیم را از خود نرانی. «ألم یجدک یتیمًا فأما الیتیم فلا تقهر». (ص ۶۶)

۳- خودسازی و علم‌آموزی: کسانی که مورد مراجعه مردم هستند باید در آغاز خوب بشوند، سپس با دانش خود به حل و فصل مشکلات پردازند؛ چنانکه خداوند نیز در مقام اجابت دعا چنین است. «فاستجاب هو السميع العليم». (ص ۸۶)

۴- رازداری همراه با راستگویی: هم رازداری لازم است و هم راستگویی! یوسف گفت: «أخ لکم» و نگفت: برادر من، تا راستگویی و رازداری با هم رعایت شود. اشخاص یا مؤسسه‌ها و یا کشورهای که کمک‌های اقتصادی می‌کنند، می‌توانند بعضی از شرایط را در جهت رشد و یا مصالح دیگر، مطرح کنند. «أتونی بأخ». (ص ۱۱۶)

۵- محبت به همراه قاطعیت و تهدید به همراه تشویق: در مدیریت، هم محبت لازم است و هم تهدید. اول مژده و محبت «أنا خیر المنزلین» بعد تهدید و اولتیماتوم «فإن لم تأتونی». در تهدید لازم نیست که مدیر تصمیم

صد در صد بر اجرا داشته باشد «فلا کیل لکم». (زیرا یوسف کسی نبود که حاضر شود برادرانش از قطعی بمیرند). قاطعیت در پیاده کردن برنامه‌ها، شرط رهبری است. «فلا کیل لکم عندی و لا تقریون». (ص ۱۱۷)

علت معرفی کتاب و تأثیر آن در زندگی بنده: جریان آشنایی بنده با این کتاب از جایی

شروع می‌شود که بنده چندی پیش متوجه نکته قابل تقویت و تذکری در ارتباط با مدیریت محترم مجموعه‌ای شدم و در پی این مسئله بسیار تفکر نمودم که در حد امکان با ظرافت تمام مطرح کنم، ولی باز هم به نظرم چندان به صلاح نیامد. چند روز در اندیشه و پیدا کردن راه حل بودم. ناگفته نماند که متوسل به همراه اول معنوی‌ام شدم تا خودشان راه صحیح را نشانم دهند.

بدین ترتیب بود که شبی در حال مطالعه لیست موضوعی کتابخانه قائمیه اصفهان بودم که در موضوع تفسیر به کتاب «سیمای مدیر موفق در قرآن» برخوردم و این حقیقتاً یک امداد غیبی از الطاف بی‌کران خداوند متعال بود و برایم بسیار نوید بخش بود. از آنجایی که قصدم در جهت سازندگی و اصلاح امور مجموعه مذکور بود، هم‌تم را بر آن گمارده بودم که حتی غیر مستقیم اما در نهایت ظرافت مسئله را با مدیریت آن مجموعه در میان گذارم. از طرفی مدام در ذهنم به یاد حدیث امام صادق (علیه‌السلام) می‌افتادم که فرمودند: «أحبُّ إخوانی إلیَّ من أهدی إلیَّ عیوبی»: محبوب‌ترین برادرانم نزد من کسی است که عیب‌های مرا به من به عنوان «هدیه» باز گوید (کافی، ج ۲، ۶۳۹). در نهایت با نظر لطف و مرحمت خداوند متعال و در سایه عنایات خاص بانوی دو عالم حضرت فاطمه زهرا (سلام‌الله علیها) کار همانگونه پیش رفت که باید می‌رفت و اینگونه بود که فایل کتاب مذکور را به همراه پیام تبریک ماه ربیع و یاد کردن از کتاب به عنوان «هدیه»، برای مدیریت منظور فرستادم. برخورد لازم می‌دانم که دگر بار از خداوند مَنان به خاطر این توفیق ارزشمند که باز هم به حقیر سراپا تقصیر مَنّت گذارد، تشکر کنم و در ادامه طریق همچنان فقط از او طلب یاری نمایم. «و أن الحمد لله ربّ العالمین».

از آن پس بود که شب‌ها قبل از خواب نکاتی چند از نکات تفسیری این کتاب را مطالعه می‌کنم که گاهاً برخی نکات را به لطف ربّ در خود می‌یابم، در حالی که اصلاً آگاه نبودم که توفیق الهی است، و برخی را نیز وقتی برای اولین بار مطالعه می‌کنم که چه نکات ظریف و دقیقی هستند، بیشتر ترغیب می‌شوم که به مدد الهی در خویش نهادینه سازم، و بسیار سعی دارم که تک تک نکات را - که ارزش چندین مرتبه خواندن دارند - در مجموعه تهذیب نفس و مدیریت خویشتن در ارتباط با خداوند و سایر مخلوقات به کار بندم. «والسلام علی من اتبع الهدی».